

شیون برای تلگرام عبور از نسخه نجات اقتصاد

دلار در تعطیلات عید، در سکوت مسئولان و تعطیلی رسانه‌ها، از مرز 5200 تومان هم گذشت! موضوعی که هیچک از مقامات دولتی دلشان نخواست حتی درباره آن حرف بزنند!



دلار در تعطیلات عید، در سکوت مسئولان و تعطیلی رسانه‌ها، از مرز 5200 تومان هم گذشت! موضوعی که هیچک از مقامات دولتی دلشان نخواست حتی درباره آن حرف بزنند!

چند روز قبل از این جهش، یعنی در روزهای پایانی اسفند ماه 96، رئیس‌‌بانک مرکزی با خونسردی گفته بود: «افزایش قیمت دلار روانی است و لا بد با فروکش کردن تب روانی، همه چیز عادی می‌‌شود! حالا معلوم نیست کدام عامل روانی یا حتی کدام روانی در ایام تعطیل، دلار را از 5 هزار تومان عبور داد و هنوز چیزی از سال نگذشته، زرمه افزایش مجدد نرخ ارز و کاهش مجدد ارزش پول ملی مطرح می‌‌شود!

دولت در سال 92 کشور را با دلار حدود 3300 تومانی تحویل گرفت و حالا دلار 5200 تومان را هم تجربه کردیم! یعنی دولت موفق شد دلار را با افزایش حدود 57 درصدی، به بالاترین نرخ تاریخ خود در ایران برساند! این‌‌همه هنر تحصیل‌‌کردگان و نجبان و کارگزارانی‌‌های کار بلد که همه عالم و آدم را بخاطر بی‌‌سوادی تمسخر می‌‌کردند، کافی نیست تا بپذیریم که دولت هیچ تدبیری برای کنترل اقتصادی ندارد!؟

بسیاری از کارشناسان از ماه‌‌ها قبل پیش‌‌بینی می‌‌کردند که دلار به دلایل مختلف آهنگ صعود گرفته و باید برای آن تدبیری اندیشید. در مقابل، دولتمردان با خوش خیالی، دنبال حرف‌‌های دیگر بودند و هر ندای هشدار دهنده‌‌ای را با تمسخر و طعنه، با ادبیات خاص و فاخر رئیس‌‌جمهور محترم می‌‌نواختند و بی‌‌نصیب از فحش و ناسزا نمی‌‌گذاشتند!

فرستی که می‌‌سوزد!

همیشه افزایش نرخ ارز لزوماً بد نیست و در بسیاری موارد می‌‌تواند به شکوفایی تولید در کشور منتهی شود. اما این امر مهم، یک پیش فرض مهم‌‌تر دارد که متأسفانه در دوران دولت یازدهم و دوازدهم، نه تنها به ایجاد و حفظ آن اهتمام نشد بلکه به شکل حیرت انگیزی آنچه از قبل بود هم تخریب شد! واقعیت این است که می‌‌توان از افزایش نرخ ارز برای صادرات هرچه بیشتر بهره برد و کالاهای ساخت داخل را به کشورهای همسایه و دورتر صادر و ارز ارزشمند ناشی از آن را سرازیر به کشور کرد. این اتفاق در بسیاری از کشورهای دنیا هم افتاده و اساساً بسیاری، با روش‌‌های مختلف در رقابت نرخ ارزها، ارزش دلار یا یورو یا پول مرجع را دستکاری می‌‌کنند تا تولید و صادرات سودمند باشد و بدنه تولید‌‌کننده کشورشان، به تولید هرچه بیشتر ترغیب شوند.

اما آیا ما هم در وضعیت مشابهی هستیم؟ سوگمندانه باید به این پرسش جواب منفی بدهیم! در طول دولت یازدهم و دوازدهم، هزاران واحد تولیدی بزرگ و کوچک تعطیل شد و کارگران آنها بیکار شدند. هزاران کارخانه و کارگاه دیگر همه با حداقل ظرفیت مشغول به کار است و عملاً برای کشور، امکان بهره‌‌برداری از افزایش نرخ ارز به نفع کشور وجود ندارد زیرا زیر ساخت آن آسیب دیده است.

اما حتی اگر این امکان مهم و مبنایی از بین نرفته بود، تعلل و بی‌‌برنامگی دولت و نیز اتاق‌‌های بازرگانی که توسط برخی عوامل دولتی به حیاط خلوت تبدیل شده، بازارهای صادراتی ما را از بین برده و کار به جایی رسید که ما در کشورهایی مثل عراق هم در موضوعات مختلف، از رقابتی خودمان عقب افتادیم!

افزون بر دو مورد فوق، یک مشکل دیگری هم هست که البته دولت خدمتگزار ادعا می‌‌کند از چند سال قبل آن را حل کرده ولی همه ما می‌‌دانیم حل نشده! دولت با چوب حراج زدن به صنعت هسته‌‌ای و عزت ایرانی، ادعا کرد راه‌‌های تسهیل تجارت با جهان را باز کرده و راه مبادلات بانکی را هموار کند. اما علیرغم آن همه ادعا، به گفته جواد ظریف، حتی نمی‌‌توانیم یک حساب بانکی ساده در انگلیس باز کنیم!

با این سه مانع، تکلیف انتفاع کشور و تولید کنندگان از گرانی نرخ ارز روشن است و نیازی به هیچ فکر و خیال دیگری نیست!

بی داد قاچاق

و واردات بی‌‌رویه!

در کنار درماندگی روز افزون تولید کنندگان، مجاری واردات و قاچاق که در مواردی با دخالت نور چشمی‌‌ها و وابستگان دولت انجام می‌‌شود، رمقی برای تولید نگذاشته و دلار بیش از 5 هزار تومان، راه رقابت تولید‌‌کننده‌‌ای که با مالیات و بیمه و عوارض و برخی زیر میزی‌‌های دیگر مواجه است را چنان بسته که عطای تولید را به لقای آن می‌‌بخشد و در عوض، جماعت قاچاقچی و وارد‌‌کننده، روز به روز فربه‌‌تر می‌‌شوند و از قضا گران شدن دلار نه تنها کار و بار آنها را از رونق نمی‌‌اندازد که بر عکس

